



زهرآ جعفری
روزنامه‌نگار

بأن موهاو محاسن سفید هر سال به نمایشگاه کتاب می آید تا مخاطبانش را ببیند. ۵۵ ساله است اما هنوز همان دغدغه های جوانی را دارد . سیدمهدی شجاعی، نویسنده دغدغه مندی است که طی این سال ها توانسته است مخاطبان زیادی را با کتاب آشتی دهد. کتاب هایش و هدف هایی که برای انتشارات نیستان دارد، همه و همه باعث جذب مخاطبان شده است. از فرصت نمایشگاه کتاب و دیدارش با مردم استفاده کرده ایم تا با او گپ و گفت کوتاهی داشته باشیم. خواستیم برایمان از دغدغه های فرهنگی این روزهایش بگویم؛ دغدغه های فرهنگی و امید به فرهنگ که شاید به ناامیدی رسیده است. مثل همیشه که فرهنگ برایش اولویت است برایمان از فرهنگ گفت واز یلاهایی که دارد بر سر فرهنگ این مرز و بوم می آید.

اولین سوال من در خصوص وضعیت فرهنگی کشور است. چرا عرصه تولید و مصرف محصول فرهنگی در کشور ما را کد شده است؟ البته در دوره کوتاهی با تغییر دولت، برخی عنوان کردند امید جدیدی در زمینه فرهنگ ایجاد شده است، اما امروز که با اهل فرهنگ و هنرمندان صحبت می کنیم، گویا اوضاع تغییر چندانی نکرده است. باز هم در بحث تولید محتوا گرفتار رکود هستیم و تولیدات مختصری هم که شکل می گیرد، فراتر از مرزهای ترسیم شده مخاطبانش نمی رود. آقای شجاعی واقعا چه اتفاقی برای ادبیات ایرانی افتاده که گرفتار چنین شرایط رکودی شده است؟

ما زمانی می گفتیم چرا دغدغه کتاب و فرهنگ در سیاستمداران ما نیست. ما انتقادمان این بود که چرا بی توجهی می شود، چرا کم توجهی می شود، چرا ۲۰ سال است نمایشگاه کتاب برگزار می شود اما هر سال مثل یک حادثه غیرمترقبه با آن مواجه می شویم، هر سال همان نقص هایی را دارد که پنج یا ۱۰ سال پیش داشت.

اگر نمایشگاه کتاب به عنوان یک اتفاق فرهنگی قرار است همان چیزی که شما می گوید باشد، تولیدکننده فرهنگ باید ببیند که با مصرف کننده فرهنگ، در تعامل با هم قرار بگیرند.

اما چرا این اتفاق نمی افتد؟ احساس و دریافت من این است که ما مجرا با قبلا که می گفتیم بهای کافی به فرهنگ داده نمی شد، کاملا فرق کرده است. الان ضدیت با فرهنگ وجود دارد. الان سیاستگذاری ها بر مبنای این است که مردم کمتر بفهمند، مردم کمتر با فرهنگ سروکار داشته باشند.

از نگاه بالاتر هم به موضوع نگاه کنید همین است. کشور ما در حال حاضر مثل یک کشتی است که سکانداران آن بر سر قدرت با هم می جنگند. بعد اینها برای مقلوب کردن همدیگر کشتی را سوراخ می کنند، برای اینکه به هم لطمه بزنند.

یعنی ریزشش گریبان مردم را می گیرد. کشتی به سمت غرق شدن می رود ولی آنها می خواهند به هم لطمه بزنند

و بر هم غالب شوند. حالا آنها خیال شان راحت است چون حلیقه نجات دارند و غرق نمی شوند اما مردم غرق می شوند. یک عده هستند که حلیقه نجات دارند و همه تمهیدات شان را اندیشیده اند تا به محض اینکه خبری شد، بروند جای دیگری که پایشان را سفت کرده اند. چیزی که اصلا مطرح نیست، مردمی هستند که در این کشتی قرار گرفته اند؛ معیشت مردم، فرهنگ مردم، سرنوشت مردم و آینده مردم اصلا مطرح نیست. جنگ بر سر قدرت است و تا زمانی که این جنگ بر سر قدرت وجود داشته باشد مجالی برای پرداختن به فرهنگ



سیدمهدی شجاعی در گفت وگو با «فرهیختگان» از احوالات فرهنگ می گوید

با جنگ قدرت مجالی برای فرهنگ نمانده

وجود ندارد. تنها کاری که می شود انجام داد این است که راه های ورودی خبر به مردم را ببندیم که نفهمند پشت صحنه چه خبر است. این همان اتفاقی است که رخ داده است و دیگر نمی شود گفت بخش تولید و مصرف فرهنگ از اینها مجراست.

سوال بعدی من در مورد مخاطبان محصولات فرهنگی است که عرضه می شود. ما شاهد یک نوع تبلیغ عجیب هستیم که مثلا مخاطبان نمایشگاه کتاب تهران امسال افزایش داشته اند یا در زمینه سینما هم این گزاره مطرح است که تعداد مخاطبانش افزایش داشته اند. ولی آنچه واضح است اینکه بخش مهمی از جامعه ایرانی درگیر محصولات فرهنگی نمی شوند. محصولات در دایره تنگی از مخاطبان و همچنان محدود گیر کرده اند.

چه باید کرد که دایره مخاطبان از مرزهای تکراری خود فراتر روند. شما اشکال را متوجه کدام بخش از دو طرف این ماجرا، یعنی تولیدات فرهنگی یا مردم، می دانید؟

برای اینکه تولیدکننده فرهنگ بتواند فعالیت فرهنگ داشته باشد و برای اینکه مردم به سراغ او بیایند سیاست گذاری کلان فرهنگی لازم است. آن سیاست گذاری کلان

فرهنگی است که جهت دهی می کند. گیر ما در آنجاست. نه مردم به آن معنا مقصر هستند نه تولیدکننده. وقتی شما با هزار جور مانع مواجه می شوید برای اینکه بتوانید کار درست و سالم تحویل جامعه بدهید و وقتی جامعه درگیر معیشتش است واقعا مجالی برای خواندن کتاب برایش نمی ماند. وقتی تبلیغات کلان جامعه به سمتی می رود که مردم به سمت رفاه و مسائل مادی سوق می دهد و الگوها و اسوه هایی که دارد عرضه می کند هم الگوها و اسوه های فوتبالیست و هنرپیشه و اینهاست؛ وضعیت همین



هست که می بینیم. یعنی رویکرد کلی سیاستگذاری ما به سمت فرهنگ و آگاهی فرهنگی نیست؛ همه چیز در یک راستا شکل می گیرد. یک مثال برای شما بزنم: تلویزیون یک جایگاه فرهنگی حکومتی است یا سپاه نهادی است که باید حافظ جان و امنیت باشد؛ آن وقت می آیند سربالی تولید می کنند به نام پایتخت که از تلویزیون پخش می شود. اگر شما می خواستید در آن چند روز ایام عید ۲۰ بار روزی یک ساعت در مورد آنتالیا تبلیغ کنید و آنجا را به مردم بشناسانید به این اندازه موفق نمی شدید. این ناشی از چیست؟ از این طرف منع گذاشته می شود و می گویند پرواز مستقیم به آنتالیا ممنوع، از طرف دیگر رفت و برگشت پروازهای داخلی مثلا به کیش می شود ۸۰۰ هزار تومان در حالی که رفت و برگشت آنتالیا با اقامت یک هفته می شود یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان. خب چه کسی پیدا می شود که کیش را بچسبد و آنتالیا را ول کند.

می بینید همه این عوامل به این سمت می رود که شما را سوق دهد به سمت چیز دیگری غیر از آن چیزی که باید باشد. برمی گردد به همان سیاستگذاری ای که اجازه نمی دهد، کشور فضای مناسب جذب توریست باشد و سرمایه هایی که داریم، دیده شود. الان ما چند برابر ترکیه به لحاظ بومی، اقلیمی و جغرافیایی جاذبه در ذات طبیعت مان داریم ولی این اتفاق برای کشور ما نمی افتد و آنها می آیند برای ما برنامه ریزی می کنند و هتل هایی را می سازند که براساس بازار مصرف ایران تعریف می شود. می گویند در ایران مردم پول درمی آورند و جای خرج کردن ندارند، بنابراین می بینیم میلیون ها دلار در سال روانه کشور ترکیه می شود.

این یک نمونه است، مقصر چه کسی است؟ مقصر ترکیه است؟ آنها دارند کار خودشان را انجام می دهند، درست هم انجام می دهند. روز به روز کشورشان را پیشرفته تر و جایگاه شان را در منطقه تثبیت می کنند. این مدیران ما هستند که متاسفانه مردم و مملکت مان را دچار تنزل کرده اند.

کمی هم در مورد رمان جدیدتان صحبت کنیم.

☞ **سورپ ریز اهالی موسیقی برای تیم ملی فوتبال**



مراسم بدرقه تیم ملی فوتبال ایران همزمان با مراسم رونمایی از سرود تیم ملی فوتبال، یکشنبه شب در تالار وحدت برگزار و از این مراسم نمایان با تغییر «پیوند هنر و ورزش» یاد شد. سیدمحمدجنتی حسینی، معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در این مراسم گفت: «موسیقی قرن ها قبل از فوتبال این ویژگی را داشت که بدون زحمت ترجمه، حس مشترک آن را درمی یابند و لذت آن را با جان و دل درک می کنند. اسمال پیوند مبارکی میان این دو روداد و عضو محبوب بین مردم، شکل گرفته و تالار وحدت این وحدت را به گونه ای دیگر نمایاند.» در ادامه با حضور اعضای ترکیبی از ارکستر سمفونیک تهران و ارکستر ملی ایران با رهبری شهرداد روحانی، دو قطعه زنده باد تیم ملی و سرود قهرمانان برای حاضران نواخته شد. در ادامه فریدون شهپازیان و سالار عقیلی به اجرای قطعه «پیروزی خورشید» پرداختند. از پنجمین قطعه ای که در مراسم بدرقه تیم ملی ایران نواخته شد، به عنوان سورپرایزی برای کارلوس کی روش نام برده شد. به گفته روحانی این قطعه محصول کشور پرتغال بود.

☞ **عبدی پور: «پاپ» ۱۷ جا اصلاحیه خورد**



فیلم سینمایی «پاپ» به کارگردانی احسان عبدی پور، این روزها در گروه هنر و تجربه اکران می شود. عبدی پور در نشست نقد و بررسی این فیلم در خانه نمودان گفت: «فیلم «پاپ» ۱۷ جا اصلاحیه خورد. پلان هایی در فیلم وجود دارد که نیاز به صحنه ها و پلان های واسط است که در فیلم دیده نمی شود و آن را نباید نقص کار تدوینگر دانست. اپیزود اول از همه اپیزودها بیشتر سلاخی شد اما خیلی از فیلم ها در سیمای ایران اصلاحیه می خورند و این توجیه خوبی برای خوب نبودن فیلم نیست؛ اما می تواند پاسخگوی بعضی از ابهامات مخاطبان باشد.» او درباره فیلمسازی در پایتخت یا شهرستان ها بیان کرد: «برای سینما مهم نیست که فیلم در کجا ساخته می شود بلکه رهیافت جدید به زندگی در سینما اهمیت دارد. این که فیلم در شهرستان ساخته شده یا تهران یا چه میزان مخاطب شهرستانی و تهرانی دارد برای گزارشات رسمی و مردم شناسی خوب است. فیلمسازی که از یک اقلیم دیگر می آید، نگاه خودش را باید داشته باشد. امروزه سینماگر از این مرحله گذشته است اما مسئول نمی گذرد.»

☞ **امیر یوسفی، رئیس شورای صنفی نمایش شد**



غلامرضا فرجی، سخنگوی شورای صنفی نمایش درباره آخرین مصوبات این شورا گفت: «دبروز رای گیری برای انتخاب رئیس جدیدشورایرگزارش شد که محسن امیریوسفی رئیس شورا، محمود رضوی نایب رئیس و بنده هم به عنوان سخنگوی شورای صنفی نمایش انتخاب شده ایم. محسن امیریوسفی که به عنوان رئیس شورای صنفی نمایش انتخاب شده است تا به امروز در مقام کارگردان سه فیلم به نامهای «اشغال های دوست داشتنتی»، «آتشکار» و «خواب تلخ» را در کارنامه کاری خود دارد که فیلم «آشغال های دوست داشتنتی» همچنان اجازه نمایش ندارد، «آتشکار» بعد از چند سال توقیف در سال ۸۹ با شرایط سنی بالای ۱۶ سال به نمایش درآمد و فیلم «خواب تلخ» هم در گروه هنر و تجربه اکران شده است. غلامرضا فرجی درباره نمایش بازی های جام جهانی در سینماها گفت: «در این جلسه مصوب شد که مسابقات جام جهانی فوتبال در سینماها اجازه پخش داشته باشد اما چگونگی اجرایی شدن آن با درنظر گرفتن حقوق صاحبان آثار هفته آینده اعلام خواهد شد.»

☞ **مسدود شدن حساب بانکی سلبریتی ها**



سرهنگ کاظمی، رئیس پلیس فتای تهران بزرگ، در گفت وگویی که به تازگی با روزنامه «جوان» انجام داده با تاکید بر اینکه برخی از سلبریتی هایی که کمک های مردمی را جمع آوری می کنند، باید دارای مجوز باشند، گفت: «تعدادی از چهره های معروفی که اقدام به جمع آوری کمک های مردمی می کنند تمام پول جمع آوری شده را به دست نیازمندان می رسانند و تعمدادی هم این کار را انجام کرده است اما با برخورد با یک یا دو نفر نمی توان به این کار پایان داد.» سرهنگ کاظمی گفت: «در یک مورد یک بازیکن فوتبال اقدام به جمع آوری کمک های مردمی کرد اما شماره حسابی هم که اعلام کرده بود متعلق به خودش نبود و پلیس فتا این فرد را احضار و حسابش را مسدود کرد.»



نشر نیستان در این چند سال اخیر خیلی به نویسندehای جوان توجه کرده است و من با خیلی هایشان که صحبت می کردم، همه این توجه را ناشی از نگاه شما می دانستند. می شود کمی هم در مورد این موضوع صحبت کنید که چرا این نگاه و توجه را به نویسندehای جوان دارید؟

این نگاهی است که باید در ساختار حکومت وجود داشته باشد. یعنی وظیفه ای است که باید حکومت داشته باشد اما این وظیفه انجام نمی شود و من به اندازه توان و استطاعت خودم سعی می کنم گوشه ای از کار را بگیرم.

همه داد من در این سال ها این بوده که نه فقط استعدادهای جوان که باید اهالی فرهنگ را در یابید. در ایران هیچ نویسندehای با حق التالیف آموزش نمی گذرد. در همه دنیا هم نویسندگان مورد حمایت واقع می شوند و اگر شما بخواهید کسانی را که از توان و قابلیت نویسندگی برخوردار هستند سرجمع کنید هزار نفر هم نمی شوند. مگر چقدر هزینه دارد رسیدگی به این هزار نفر در مقابل همین بودجه های کلانی که هدر می رود. اما کسی اهمیت نمی دهد چون بنا نیست که فرهنگ ارتقا پیدا کند.

این بخش هم جزء مسئولیت هایی است که در وظایف حاکمیتی باید آن را در نظر بگیریم. یعنی شما در کشور های دیگر می بینید که یک نویسنده اثری را خلق می کند و آن اثر ارجمند است و تمام تجهیزات و تمهیدات برای نویسنده فراهم می شود تا به سمت خلق اثر دومش برود.

بستر مهیا می شود برای اینکه بتواند اثر دوم را بهتر از اثر اول خلق کند. ولی در جایی که حق التالیف نویسنده کتابی که یک سال برایش زحمت کشیده، حتی به اندازه یک ماهش هم نیست، دیگر چه توقعی داریم. مشکل این است که من بخشی از آن وظیفه را که بر عهده نظام و سیاستگذاران فرهنگی است، به سهم خودم، پیش می برم ولی شما حساب کنید اگر این اتفاق در سطح کلان می افتاد چقدر اتفاقات خوبی رخ می داد.

مثل یک ماکت کوچک داریم عمل می کنیم؛ به اندازه وسع خودمان که محدود است. ولی اگر این اتفاق در سطح مملکت به عنوان یک سیاستگذاری اصلی می افتاد، می دیدید که محصولش طی چند سال چه چیزی می شد.

مخاطبان ما بیشتر جوانان و دانشجویان هستند، دوست داریم سیدمهدی شجاعی چند کتاب معرفی کند تا ما به مخاطبانمان معرفی کنیم؟

همین که روزنامه شمار دانشگاه های آزاد توزیع می شود موقعیت خوبی است. اما قبل از اینکه بخواهیم کتاب معرفی کنیم باید نیاز به مطالعه را در جوانان و دانشجویان تقویت کنیم. یعنی باید رویکرد به این سمت باشد که جوان از اینکه نمی تواند بخواند، احساس خلا کند.

این را باید درست کنیم. چون در کل نادانی راحت تر از دانایی، سراسیمگی رفتن راحت تر از سربالایی رفتن است. چشم بستن راحت تر از چشم باز کردن است. یعنی میل بشر به سمت راحت طلبی می رود.

فیلم نگاه کردن خیلی راحت تر از خواندن کتاب است. حرقم این است که باید نیاز به خواندن را در ابتدا برای مخاطب ایجاد کرد و بعد که این نیاز ایجاد شد می شود گفت ایسن کتاب را بخوان. حتی

می خواهم بگویم اگر این نیاز به خواندن با کتاب زرد ایجاد شود و طرف معتاد به خواندن شود و احساس بکند که وقت تلف شده اش را می تواند با خواندن چیزی برطرف کند، باز هم خوب است. اینکه ارزش دانایی و آگاهی چه چیزی است باید این را تبلیغ کرد، پیش از اینکه بخواهیم آن را ارجاع بدهیم به یک کتاب. وقتی جوان و مخاطب ما گرسنه نیست خوراکی را هم که به او می دهی نمی خورد. آن عطش و نیاز را باید در او ایجاد کرد.

☞ **خرید یک میلیاردی ارشاد از نمایشگاه کتاب**



مهرداد دانش، دبیر هیات انتخاب و خرید کتاب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در گفت وگو با «تسним» با اشاره به فعالیت این هیات در نمایشگاه کتاب تهران گفت: «هیات انتخاب و خرید کتاب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سی و یکمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران ۱۰ کارشناس به بررسی آثار عرضه شده در غرفه های مستقر در نمایشگاه پرداخت و در مجموع از بیش از ۱۲۰۰ ناشر کتاب خریداری کرد.» وی ادامه داد: «ز یک به ۱۶۰۰ عنوان کتاب با شمارگان ۶۸ هزار و ۳۰۰ نسخه از نمایشگاه کتاب تهران خریداری شد. اعتباری که برای این خرید صرف شد، بیش از یک میلیارد تومان بود. این کتاب ها براساس قیمت که خرید خریداری شده اند.» وی با اشاره به تفاوت هایی که جدید نمایشگاهی با خرید در قالب برگزاری جلسه هیات داشته است، گفت: «ناشر در خرید جلسه ای کتاب ها را به ما پیشنهاد می دهد و کارشناسان ما سر فرصت کتاب ها را بررسی کرده و برحسب تشخیص خرید می کنند، اما در نمایشگاه چون فرصت اندک بود، ما تقریبا یک هفته مهلت داشتیم تا ۱۵۰۰ غرفه ناشران خصوصی را ارزیابی کنیم.»